



## اثرات تورم بر شاخص‌های ارزیابی عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در

### بورس اوراق بهادار

رامین زمانی عموقین (نویسنده مسؤل)

عضو هیات علمی موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی مولانا، آبیگ، قزوین، ایران

Email: Ramin\_Z63@yahoo.com

مصطفی افشار

استاد مدعو موسسه آموزش عالی و غیرانتفاعی مولانا، آبیگ، قزوین، ایران

فرناز خیر

استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهر قدس، تهران، ایران

#### چکیده

هر واحد تجاری با توجه به نوع فعالیت خود در آن حیطه عمل می نماید که نتیجه ی عملکرد آنها از طرق مختلف قابل بررسی و ارزیابی و اندازه گیری می باشد. یکی از ابزارهایی که برای تعیین موقعیت مالی شرکتها مورد استفاده قرار می گیرد تجزیه و تحلیل نسبتهای مالی می باشد. در واقع نسبتهای مالی واقعیتهای مهمی را در ارتباط با عملیات و وضعیت مالی یک واحد را آشکار می سازد ، البته عوامل مختلفی در این نسبتها دخیل می باشند که یکی از آنها نرخ تورم موجود در اقتصاد کشور می باشد، تورم به عنوان یکی از شاخص های مهم اقتصادی در دنیا، همواره مورد توجه بسیاری از محققین بوده است. یکی از جنبه هایی که کمتر مورد بررسی قرار گرفته تأثیر این شاخص بر عملکرد بازارهای مالی و توسعه آن می باشد که در این مقاله آنرا را مدنظر قرار دادیم تا بررسی نماییم که این عامل تا چه اندازه و چگونه بر نسبتهای گوناگون مالی واحدهای تجاری اثرگذار می باشد، برای انجام چنین تحقیقی اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را طی سالهای ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۰ بررسی نموده و برای آزمون فرضیه ها پس از پردازش اطلاعات به کمک صفحه گسترده Excel و نرم افزار Eviews ، ضریب همبستگی پیرسون محاسبه و تحلیل رگرسیون صورت پذیرفت. نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق حاکی از ارتباط معنی دار بین تورم و شاخصهای ارزیابی عملکرد مالی شرکتها دارد. بنابراین می توان گفت نرخ تورم بر عملکرد مالی شرکت ها تاثیر فراوان داشته و کشوری با نرخ تورم بالا/پایین می تواند اثر نامطلوب/مطلوب بر عملکرد مالی شرکت ها داشته باشد. به عبارت دیگر یکی از عوامل خارج از شرکت که باعث ضعف/قوت عملکرد مالی شرکت ها می باشد نرخ تورم است.

واژه های کلیدی : تورم، شاخصهای ارزیابی عملکرد مالی، نسبتهای نقدینگی، نسبتهای فعالیت، نسبتهای سودآوری، نسبتهای مالکیت

## ۱- مقدمه

رشد و توسعه اقتصاد، افزایش شرکتهای سهامی و تفکیک مدیریت از مالکیت، امروزه مسائل نمایندگی<sup>۱</sup> را به یکی از مهمترین دغدغه‌های سرمایه‌گذاران مبدل ساخته است. مسائل نمایندگی از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که سرمایه‌گذاران معمولاً دارای تمایل و یا توانایی لازم جهت اداره امور شرکت نیستند، لذا این مسئولیت را به مدیران محول می‌کنند. چنانچه هر دو گروه مدیران و سرمایه‌گذاران به دنبال بیشینه کردن منافع شخصی خود باشند و در صورتی که اعمال نظارت بر عملکرد نماینده نیز مستلزم صرف هزینه باشد، این امر به طور ضمنی حاوی این پیام است که نماینده ممکن است همواره درصد تامين منافع مالک و حداکثر کردن ثروت وی نباشد. (Amir aslani, 2005). از این رو انتخاب معیاری مناسب به منظور اطمینان از دستیابی شرکت به هدف نهایی خود که همانا بیشینه کردن ثروت مالکان است، از مهمترین راهکارهای پیش روی سهامداران برای ارزیابی عملکرد شرکت و به تبع آن تصمیم‌گیری‌های صحیح اقتصادی است. از دیرباز تاکنون مطالعات بسیاری برای دستیابی به معیاری مناسب جهت ارزیابی عملکرد شرکتها و مدیران به منظور اطمینان یافتن از همسویی حرکت شرکت با منافع سرمایه‌گذاران بالفعل و مبنایی برای اتخاذ تصمیمات اقتصادی سرمایه‌گذاران بالقوه و اعتباردهندگان صورت پذیرفته است. نتیجه‌های به دست آمده از این مطالعات به ارائه چهار رویکرد در رابطه با معیارهای عملکرد به شرح زیر انجامیده است:

۱- رویکرد حسابداری<sup>۲</sup>: در این رویکرد از ارقام مندرج در صورتهای مالی نظیر سود، سود هر سهم، جریانهای نقدی عملیاتی، بازده داراییها و بازده حقوق صاحبان سهام جهت ارزیابی عملکرد استفاده می‌شود (Ansari & Karimi, 2008).

۲- رویکرد اقتصادی<sup>۳</sup>: بر اساس این رویکرد که در آن از مفاهیم اقتصادی استفاده می‌شود، عملکرد واحد تجاری با تأکید بر قدرت سودآوری داراییهای شرکت و با توجه به نرخ بازده و نرخ هزینه سرمایه به کار رفته ارزیابی می‌شود (Anvari rostami and all, 2004).

ارزش افزوده اقتصادی، ارزش افزوده اقتصادی تعدیل شده و ارزش افزوده بازار در این گروه جای دارند.

۳- رویکرد تلفیقی<sup>۴</sup>: در این رویکرد ترکیبی از اطلاعات حسابداری و بازار برای ارزیابی عملکرد به کار می‌رود مانند نسبت کیو توبین (Tobin's q) و نسبت قیمت به سود (P/E). (Aziz zadeh, 2010).

۴- رویکرد مدیریت مالی<sup>۵</sup>: مطابق با این رویکرد، اغلب از تئوریهای مدیریت مالی نظیر الگوی قیمتگذاری داراییهای سرمایه‌ای<sup>۶</sup> (CAPM) و مفاهیم ریسک و بازده استفاده می‌شود. تأکید اصلی این رویکرد بر تعیین بازده اضافی هر سهم می‌باشد (Ansari & karimi, 2008).

با توجه به مسائل مطرح شده در فوق در خصوص معیارهای سنجش عملکرد می‌توان گفت که موارد متعددی بر این شاخصهای اندازه‌گیری عملکرد اثرگذار خواهند بود که به عوامل درونی و بیرونی طبقه بندی می‌شود. از جمله عوامل بیرون سازمانی که تاثیر به سزایی بر عملکرد شرکتها دارد نرخ تورم<sup>۷</sup> موجود در ساختار اقتصادی هر کشور می‌باشد که بر بیشتر عناصر سنجش عملکرد موثر می‌باشد. تورم تبعات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و حتی فرهنگی را در بر دارد که اثر اقتصادی و تاثیرات عملکرد مالی آن در واحد های تجاری مد نظر می‌باشد. بنابر این به دلیل اینکه نسبتهای مالی مورد استفاده جهت تجزیه و تحلیل و بررسی عملکرد مالی واحدهای تجاری از صورت های مالی آنها استخراج می‌شود و به تبع عوامل موثر در ارقام صورتهای بر نتایج نسبتها هم اثرگذار خواهد بود برآینم تا این ارتباطات بین تورم و عناصر صورتهای مالی را در قالب نسبتهای مالی بررسی نماییم.

<sup>1</sup> Representation

<sup>2</sup> Accounting approach

<sup>3</sup> Economic approach

<sup>4</sup> Integrated approach

<sup>6</sup> Capital Asset Pricing Model

<sup>7</sup> Inflation Rate

یکی از مهمترین عیبهای تجزیه و تحلیل صورتهای مالی از عدم ثبات ارزش پول ناشی می شود. با توجه به اینکه قدرت خرید پول در زمانهای مختلف یکسان نمی باشد، صورتهای مالی ممکن است شامل مخلوطی از ارزشهای مختلف پولی باشند که عموماً "مقایسه این ارزشهای پولی متفاوت، روابط تعریف شده ای از تجزیه و تحلیل صورتهای مالی بدست می دهد (Akbari, 2008) اثر تورم از لحاظ کاهش دارایی جاری در مقام مقایسه با بدهی جاری ( که هر چه زمان بگذرد تورم اثر آن را در بازپرداخت کمتر می کند ) در صورتهای مالی انعکاس پیدا نمی نماید و در واقع سود و زیان اقلام پولی ترازنامه نادیده گرفته می شود. قاعدتاً" تحلیل گر باید به اثر تورم در حسابها توجه کند و در صورت لزوم اطلاعاتی اضافی برای اجتناب از اشتباه در اختیار خواننده ی صورتهای مالی قرار دهد. جای یادآوری است که در شرایط حاد تورم به علت افزایش سریع قیمتها ، تغییرات آنچنان شدیدی پیش می آید که اقلام صورتهای مالی وضع عادی را از دست می دهند. در چنین شرایطی قاعدتاً" می باید صورتهای مالی که نشان دهنده ی آثار تورم باشد به صورت مقایسه ای تهیه و مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرند. در این تحقیق برآنیم تا میزان اثر این فاکتور اثرگذار (تورم) بر اقلام صورتهای مالی و نحوه انعکاس آنها در نسبتهای مالی را بررسی نماییم.

در ادامه بحث به مفهوم تورم و نسبتهای مالی می پردازیم

تورم عموماً به معنی افزایش غیرمتناسب سطح عمومی قیمت ها در نظر گرفته می شود. به سخن دیگر، تورم، روند فزاینده و نامنظم افزایش قیمت ها در اقتصاد است. هر چند بر پایه نظریه های گوناگون، تعریف های متفاوتی از تورم ارائه می شود؛ اما تمامی آنها به روند فزاینده و نامنظم افزایش در قیمت ها اشاره دارند. مفهوم امروزی تورم، در سده نوزدهم میلادی رواج یافت. پیش از آن، مفهوم دیگری از تورم وجود داشت که جهت نشان دادن افزایش حجم اسکناس های غیرقابل تبدیل به طلا به کار برده می شد. فرهنگ لغت امریکایی "هری تیج"<sup>۲</sup> درباره تورم اینگونه بیان می دارد:

تورم از طریق افزایش در نقدینگی و اعتبار در دسترس به نسبتی بیش از افزایش قیمت کالاها و خدمات ایجاد می شود. به عبارت دیگر کاربرد عمومی کلمه تورم همان اثر و نتیجه ای است که مردم می بینند وقتی آنان مشاهده می کنند که قیمتها در فروشگاههای محلی در حال افزایش است این پدیده را تورم می نامند. اما چه چیزی متورم می شود؟ آشکار است که قیمتها متورم می شوند؛ بنابراین در اینجا ما با تورم قیمت مواجه هستیم. تورم قیمت نتیجه تورم پولی است یا بعبارت دیگر تورم پولی علت تورم قیمت است. پس تورم پولی چیست و از کجا ناشی می شود؟

تورم پولی اساساً زمانی اتفاق می افتد که دولت ظاهراً شروع به چاپ اسکناس نموده و عرضه پول را افزایش می دهد. در گذشته چگونگی روی دادن تورم به شکل مذکور بوده و دولت واقعاً پول بیشتری چاپ می کرد. اما امروزه دولت ها از روشهای بسیار پیشرفته جهت افزایش عرضه پول استفاده می کنند. به خاطر داشته باشید تورم پولی یعنی افزایش در میزان پول در جریان. با تعریف امروزی، می توان نرخ تورم را نشان دهنده افزایش یا کاهش یا ثبات در قیمت مصرف کننده کالاها و خدمات دانست.

برای اندازه گیری این شاخص معمولاً در بازه های زمانی هفتگی، ماهانه و سالانه، قیمت انواع کالاها و خدمات در سراسر هر کشوری اندازه گیری و اعلان عمومی می شود. کالاها و خدماتی که قیمتشان در نرخ تورم محاسبه می شود معمولاً از کالاها و خدمات ضروری زندگی مردم به شمار می روند؛ به مجموعه این کالاها «سبد کالایی و خدماتی سنجش نرخ تورم» می گویند. این سبد کالایی و خدماتی که به عنوان سبد پایه و شاخص کالا شناخته می شود، هرچند سالی یک بار مورد بازنگری قرار می گیرد. در ایران تدوین این سبد از سال ۱۳۳۸ آغاز شد و آخرین بار در سال ۱۳۸۳ با در نظر گرفتن ۳۵۹ قلم کالا و خدمات در ۷۵ شهر منتخب کشور از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی مورد ارزیابی و محاسبه قرار گرفت. برای اندازه گیری دقیق میزان تورم، دولت ها باید با رصد هفتگی تغییرات در قیمت کالاها و خدماتی که در سبد سنجش تورم قرار دارند، میزان تورم هفتگی کشور را محاسبه کنند. میانگین نرخ تورم هر چهار هفته در یک ماه، نرخ تورم ماهانه نام دارد و میانگین نرخ تورم هر ۱۲ ماه در یک سال، میانگین نرخ تورم سالانه است.

اقتصاد دان معروف، پروفیسور کینز<sup>۹</sup> دو دلیل عمده برای تورم ذکر می کند: کاهش عرضه کل یا افزایش تقاضای کل و در مقابل، پول گرایان رشد عرضه پول مازاد بر رشد اقتصادی را عمده ترین دلیل تورم می دانند. به عبارت دیگر، تورم، تناسب نداشتن حجم پول در گردش با عرضه خدمات و کالاهاست. تقریباً تمام اقتصاددان ها بر این نکته متفق القولند که تورم پایدار و دراز مدت، ریشه ای جز عرضه پول و افزایش نقدینگی ندارد. هر چه میزان تورم بیشتر شود، قدرت خرید یک واحد پول کمتر می شود.

یکی از ریشه های تورم، نبود تعادل میان درآمدها و هزینه های دولت است. به این ترتیب که وقتی هزینه های دولت از درآمدهای آن در بودجه سالانه بیشتر باشد، دولت با کسری بودجه مواجه می شود. اگر دولت برای حل مشکل کسری بودجه اقدام به استقراض از بانک مرکزی یا فروش درآمدهای ارزی (مثلاً حاصل از فروش نفت) به بانک مرکزی کند، پایه پولی و به دنبال آن نقدینگی کل در اقتصاد افزایش می یابد که این افزایش نقدینگی آثار تورمی به دنبال خواهد داشت.

یکی دیگر از علل افزایش نرخ تورم، انتظارات تورمی است. به این معنی که اگر مردم براساس تجربیات گذشته خود یا بر مبنای مشاهدات بازار پیش بینی کنند که در آینده نزدیک قیمت ها روبه افزایش خواهد بود، میزان هزینه و خرید های خود را افزایش می دهند. از طرف دیگر تولید کنندگان و فروشندگان از فروش و عرضه کالاهای خود به امید افزایش قیمت در آینده خودداری می کنند، بدیهی است در این صورت با این سیاست، عرضه و تقاضا اثر مستقیم بر قیمت ها خواهد داشت و موجب افزایش تورم می گردد. تورم از جمله پدیده هایی است که می تواند آثار و تبعات مثبت و منفی به دنبال داشته باشد و مهم ترین اثر آن، توزیعی است؛ به نحوی که به نفع گروه های پردرآمد و به ضرر گروه های فقیر و کم درآمد و حقوق بگیر است. به عبارت دیگر تورم به افراد دارای درآمدهای پولی ثابت، ضرر می زند و از قدرت خرید آنان می کاهد و در مقابل، به نفع اغلب کسانی تمام می شود که درآمدهای پولی متغیر دارند. در یکی از گزارش های مرکز پژوهش های مجلس نیز آمده است که تورم همچنین هزینه های عمومی دولت را افزایش داده و در نتیجه دولت را مجبور به کسب درآمد بیشتر یا استقراض از بانک مرکزی می کند که در هر دو حالت ضربات جبران ناپذیری را به اقتصاد کشور وارد می کند. این گزارش در ادامه به طرح راهکارهای مبارزه با تورم پرداخته و تاکید می کند که حل معضل تورم در کشور کار خیلی پیچیده ای نیست و کافی است ریشه های تورم، که قابل شناسایی نیز هستند، به گونه ای از میان برداشته شوند (Ketabi, 2001).

علاوه بر آثار اقتصادی، تورم بر ساختار اقتصاد و متغیرهای کلان اقتصادی تاثیرگذار است. تورم، در عصر حاضر، ابعاد اجتماعی و سیاسی گسترده ای پیدا کرده است. دلیل این مساله، ارتباط تنگاتنگ آن با زندگی افراد جامعه است. به علاوه، ثبات سیاسی و اقتصادی یک کشور از طریق شاخص های متفاوتی سنجیده می شود که تورم از جمله آنهاست. شعار بسیاری از نامزدهای ریاست جمهوری در کشورهای در حال توسعه، کنترل و پایین آوردن روند رشد قیمت هاست. از این رو تورم را می توان یکی از پیچیده ترین، مهم ترین و حساس ترین مقولات اقتصادی و اجتماعی عصر حاضر دانست و بررسی و تحلیل آن، می تواند نقش بسزایی در تحلیل و تبیین مسائل اقتصادی داشته باشد.

اهمیت ریسک و بازده در سرمایه گذاری را می توان همچون اهمیت عرضه و تقاضا در اقتصاد دانست. به همین دلیل بخش عمده ای از ادبیات مالی به موضوع ریسک و بازده مربوط می شود. یکی از عوامل مؤثر بر ریسک، تورم است. اقتصاد کشور ما نیز در دو دهه گذشته تورم را به طور مستمر تجربه کرده است. در تئوری های اقتصاد کلان، یکی از عوامل و نمادهای ثبات اقتصادی، پایین بودن نرخ تورم است. از این رو اغلب دولت ها در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به بحث تورم توجه خاصی دارند و با استفاده از سیاست های پولی و مالی مختلف، سعی در کنترل آن و ثبات قیمت ها دارند. کشورهای اسلامی نیز اگرچه در کنترل تورم، در مقایسه با دیگر گروه ها ضعیف بوده اما اگر وضعیت تورم کشورهای اسلامی در دوره اخیر را با آمارهای دوره های پیش از آن مقایسه کنیم به این نتیجه می رسیم که کشورهای اسلامی به نوبه خود در کاهش تورم موفق بوده اند. می توان علت اصلی موفقیت این دسته از کشورها در کنترل تورم را اصلاحاتی دانست که در سیاست های پولی و مالی خود با

<sup>9</sup> Keynes

هدف دستیابی به ثبات قیمتی انجام داده‌اند. نمونه قابل توجه از چنین اصلاحاتی در کشور ترکیه و کشورهای اسلامی واقع در ناحیه آسیای مرکزی انجام شده است. تورم به‌عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی آثار مخربی در ساختار اقتصاد و سیاست کشور دارد و تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد و ثروت، شرایط اجتماعی و سیاسی یک کشور می‌گذارد. در طول سه دهه گذشته نرخ تورم در ایران دو رقمی شده است. بنابراین تورم با نرخ دو رقمی از جمله مشکلات ساختاری اقتصاد ایران است که تحت تأثیر عملکرد اقتصادی ایران بعد از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران قرار گرفته است. همچنین تورم می‌تواند اثرات منفی بر توزیع درآمد، مصرف، توزیع منابع، بهره‌وری و بودجه دولتی داشته باشد. در تمامی تعاریف تورم نکته حائز اهمیت، عنصر زمان و تداوم افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست. به عبارت دیگر تنها زمانی می‌توان گفت تورم رخ داده که سطح عمومی قیمت‌ها به صورت مداوم طی زمان افزایش داشته باشد، بنابراین اگر سطح عمومی قیمت‌ها تنها در یک دوره خاص و یک بار افزایش یابد، سپس این روند صعودی قطع شود، به این فرایند تورم گفته نمی‌شود زیرا افزایش قیمت‌ها باید تداوم داشته باشد. تورم تأثیر بسزایی در شرایط اقتصادی جامعه و نحوه سرمایه‌گذاری افراد دارد. در شرایط تورمی بدیهی است حفظ قدرت خرید بسیار حائز اهمیت است که از جمله راه‌های آن سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های پر بازده است که از آن میان می‌توان به دادوستد سهام به‌عنوان یک گزینه سرمایه‌گذاری اشاره کرد. با توجه به تأثیر تورم بر شرایط اقتصادی جامعه و نحوه سرمایه‌گذاری افراد بدون شک تورم در بورس و به خصوص هر شرکت نیز تأثیر می‌گذارد. در شرایط تورمی که قدرت خرید مردم کاهش می‌یابد، افزایش هزینه‌های زندگی به‌گونه‌ای است که مجالی برای پس‌انداز باقی نمی‌ماند و کاهش پس‌انداز موجب کاهش سرمایه‌گذاری و کاهش فعالیت‌های بورس اوراق بهادار و کاهش بازده سهام نیز می‌شود. در صورت افزایش تورم، تقاضا برای خرید سهام نزول می‌کند همچنین با رشد نرخ تورم، نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران افزایش می‌یابد. نرخ بازده مورد توقع شامل نرخ بازده واقعی بدون ریسک به اضافه صرف ریسکی است که ناشی از عوامل مختلفی از جمله نرخ تورم مورد انتظار است. افزایش تورم باعث افزایش نرخ بازده مورد توقع و در نتیجه کاهش قیمت سهام می‌شود، از طرفی تورم باعث افزایش درآمدها و هزینه‌ها و در نتیجه تغییر سود سهام می‌شود که عاملی برای تغییر قیمت سهام است. تغییر نهایی قیمت سهام (با فرض ثبات سایر عوامل) به میزان افزایش در نرخ بازده مورد توقع و میزان تغییر در سود سهام بستگی دارد. چنانچه تأثیر افزایش در نرخ بازده مورد توقع بیشتر از تأثیر افزایش در سود سهام باشد، قیمت سهام کاهش می‌یابد و بالعکس. از طرفی تورم باعث می‌شود خانواده‌ها سهم بیشتری از درآمد خود را صرف مخارج مصرفی کنند که نتیجه آن کاهش پس‌انداز و کاهش تقاضا برای سرمایه‌گذاری خواهد بود که به نوبه خود باعث افزایش نرخ بازده مورد توقع و در نتیجه کاهش قیمت سهام می‌شود. تورم عاملی است که موجب می‌شود قیمت‌ها در جامعه افزایش یابد و به تبع آن ارزش واقعی پول و دارایی‌های پولی افت کند و در مقابل دارایی‌های غیر پولی مانند دارایی‌های ثابت یا موجودی کالا ثابت بماند. به عبارت دیگر در اثر کاهش ارزش پول در مقابل دارایی‌های پولی، ارزش دارایی‌های غیر پولی افزایش می‌یابد. اگر عامل تورم در محاسبات حسابداری گنجانیده شود باید موجودی کالا و دارایی‌های ثابت به مبالغی بیش از قیمت اولیه آن در حساب‌ها ثبت شود لذا هزینه استهلاک و بهای تمام‌شده کالای فروش رفته افزایش پیدا می‌کند و از سود خالص کاسته خواهد شد که به تبع آن، شرکت مالیات و سود سهام کمتری پرداخت خواهد کرد.

تجزیه و تحلیل مالی فرایندی است که طی آن مشخصات و ویژگی‌های بارز مالی و عملیاتی واحد اقتصادی با استفاده از صورتهای مالی و سایر اطلاعات مالی مشخص می‌شود و در امر تصمیم‌گیری، استفاده کنندگان از صورتهای مالی را یاری می‌کند. یکی از روشهای متداول تجزیه و تحلیل صورتهای مالی، تجزیه و تحلیل صورتهای مالی با استفاده از نسبتهای مالی می‌باشد.

نسبتهای مالی در یک دسته بندی کلی به پنج دسته تقسیم می‌شوند: (پی نوو ریموند)

<sup>۱۰</sup> نسبتهای نقدینگی

<sup>۱۱</sup> نسبتهای اهرمی

<sup>۱۲</sup> نسبتهای فعالیت

<sup>۱۳</sup> نسبتهای سودآوری

نسبتهای مالکیت.<sup>۱۴</sup>

- نسبتهای نقدینگی: نقدینگی عبارتست از توانایی شرکت در جوابگویی به تعهدات کوتاه مدت خود. نقدینگی جهت اجرای فعالیتهای واحد تجاری ضروری است، به خصوص در زمانی که شرکت با مشکلات خاصی نظیر رکود اقتصادی و یا زیانهای ناشی از آن و یا افزایش ناگهانی در قیمت مواد اولیه و یا قطعات مورد استفاده شرکت روبرو گردد. در چنین شرایطی چنانچه شرکت فاقد نقدینگی کافی باشد مشکلات مالی جدی برای آن بوجود خواهد آمد.
- نسبتهای اهرمی (بازپرداخت بدهی های بلند مدت): توانایی بازپرداخت بدهی عبارتست از قدرت جوابگویی مؤسسه به بدهیهای بلندمدت خود، در رسیدن آنها تحلیل این توانایی بر ساختار بلندمدت مالی و عملیاتی مؤسسه تاکید دارد. میزان بدهی های بلند مدت مؤسسه در ساختار سرمایه آن نیز در این تحلیل مورد توجه قرار می گیرد در این بررسیها سودآوری مؤسسه نیز باید مورد دقت قرار گیرد، چراکه تاشرکتی سودآور نباشد قادر به بازپرداخت بدهیهای خود نخواهد بود. وقتی بدهی یک شرکت زیاد باشد مدیریت ناچار خواهد بود که برای تأمین منابع مالی اضافی به روشهای دیگری و در صدر آن به صاحبان سرمایه (صدور سرمایه) متوسل شود، و نیز تلاش نماید که سررسید بدهیهای را تمدید کند که بدون شک هزینه تأمین سرمایه در هر یک از این حالات افزایش خواهد یافت.
- نسبتهای فعالیت: این نسبتها نشان می دهند که با چه سرعتی دارایی های مختلف به فروش یا پول نقد تبدیل می شوند. به عبارت دیگر این نسبتها حاکی از توانایی مدیریت در بکارگیری داراییها در فعالیت نهایی شرکت (فروش محصول) می باشد.
- نسبتهای سودآوری: یکی از شاخصهای مهم سلامت مالی شرکت و کارایی مدیریت آن توانایی شرکت در کسب سود قابل قبول و یا برگشتی راضی کننده روی سرمایه گذاری آن است. بدیهی است که سرمایه گذاران تمایلی به مشارکت در شرکتی که سودآوری و درآمدسازی ضعیفی دارد از خود نشان نمی دهند. چراکه سود آوری اندک در قیمت سهام و توانایی بالقوه شرکت در پرداخت سود سهام تأثیر منفی دارد. اعتبار دهندگان نیز راضی به پرداخت وام به شرکتی که موقعیت ضعیفی از نظر سودآوری دارد نخواهند بود، چون احتمال این را می دهند که طلب آنها هرگز بازپرداخت نگردد. البته باید یادآوری شود که قدر مطلق سود اهمیت چندانی ندارد مگر اینکه این سود در قیاس با منبع ایجاد آن (میزان سرمایه گذاری) مورد ارزیابی قرار گیرد.
- نسبتهای مالکیت: گروه دیگری از نسبتها، قیمت بازار سهام شرکت را به سود عایدی و یا ارزش دفتری این سهام ارتباط می دهد. همچنین ارتباط قیمت سهام را، با سود سهام پرداختی به سهامداران روشن می سازد. تورم یکی از واقعیتهای زندگی امروزی است که دارای آثار ناراحت کننده ای بر فعالیت بنگاههای اقتصادی است. تورم را می توان افزایش غیر قابل کنترل سطح عمومی قیمتها تعریف کرد. در شرایطی که قیمتها مدام در حال افزایش باشد، تصمیم گیری نسبت به هنگامی که قیمتها در ثبات نسبی به سر می برند، بسیار سخت تر است. بگذارید مثالی بزنیم؛ یکی از اصلی ترین وظایف مدیران بنگاههای اقتصادی اتخاذ تصمیمات درست، به موقع و مناسب است به نحوی که بیشترین سود را نصیب شرکت کند. اگر امروز قرار باشد واحدهای تجاری در خصوص موضوعی تصمیم گیری کنند، به طور عملی سعی می کنند دقیق ترین اطلاعات را کسب کنند، اما اگر اطلاعات مربوط به ۶ ماه پیش باشد، همین فاصله زمانی دقت و اثربخشی تصمیمات را کم می کند. حال اگر تورم که به مفهوم رشد فزاینده قیمتها است را هم به بحث وارد نماییم، از میزان اثر بخشی و دقت تصمیمات به شکل قابل ملاحظه ای کاسته می شود. پس تورم بر فعالیت بنگاههای اقتصادی آثار مخربی دارد که پیامدهای آن از

<sup>10</sup> Liquidity Ratios<sup>11</sup> Leverage Ratios<sup>12</sup> Activity Ratios<sup>13</sup> Profitability Ratios<sup>14</sup> Ownership Ratios

طریق سخت‌تر کردن شرایط تصمیم‌گیری آشکار می‌شود. صورت‌های مالی محل درج اطلاعات اقتصادی مرتبط با فعالیت‌های شرکت است. هر یک از صورت‌های مالی نیز با هدف خاصی ارائه می‌شوند. به عنوان مثال ترازنامه، صورت وضعیت مالی واحد تجاری است. از دیدگاه عملی، چیزی که شما در ترازنامه یک واحد تجاری ملاحظه می‌کنید مجموعه‌ای است از دارایی‌های باقیمانده در واحد تجاری در پایان دوره و بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام که منشا ایجاد دارایی‌های مزبور بوده‌اند. اما از منظر واقعی، جنس دارایی‌ها و بدهی‌ها به دلیل تفاوت سطح قیمت‌ها در زمان ایجاد آنها با یکدیگر متفاوت است. اما حسابداران با به کارگیری فرض واحدی تحت عنوان «اندازه‌گیری بر حسب پول» این تفاوت را نادیده گرفته و اقلام را چنان با یکدیگر جمع می‌بندند که گویا اصلاً از حیث عوامل موثر بر ارزش آنها، هیچ فرقی با هم ندارند. اما اگر تصمیم بگیریم ارزش‌های مندرج در ترازنامه را به واقعیت‌های متناظر آنها در جهان خارج مربوط سازیم، آنگاه ممکن است آثار و نتایج تورم را بتوان دریافت. بی‌شک ارزشی که بر اساس مبالغ مندرج در ترازنامه به یک قلم دارایی منتسب می‌شود با ارزش روز آن قلم دارایی متفاوت است. در ادامه به پیشینه تحقیق انجام شده پرداخته می‌شود.

تحقیقات انجام شده در خصوص نسبت‌های مالی عمدتاً<sup>۱۵</sup> حول محورهای مشکلات استفاده از نسبت‌های مالی، بررسی محتوای اطلاعاتی برخی از نسبت‌های مالی، محاسبه متوسط صنایع و... می‌باشد و همچنین تحقیقی ویژه در مورد ارتباط تورم با نسبت‌های مالی واحدهای تجاری به انجام نرسیده است. تحقیقاتی با متغیر مستقل تورم و سایر فاکتورها صورت گرفته است که در ذیل ارائه می‌نماییم:

- ۱- شه رضایی محمود سال ۱۳۸۱ در بررسی خود تحت عنوان تاثیر نسبت‌های مالی تعدیل شده<sup>۱۵</sup> بر اساس آثار تورم بر تصمیمات استفاده کنندگان از اطلاعات مالی به این نتیجه رسید که عامل تورم اثرگذاری زیادی بر روی عناصر صورتهای مالی و همینطور نسبت‌های مالی مرتبط با آنها دارد که این فاکتور می‌بایست در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ شود.
- ۲- جعفری صمیمی احمد و تقی نژاد عمران وحید سال ۱۳۸۳ رابطه بین تورم و رفاه را بررسی نموده‌اند و اعلام کرده‌اند که هزینه رفاهی تورم قابل ملاحظه بوده و غفلت از داد و ستد بین تورم و رفاه<sup>۱۶</sup> می‌تواند خطرناک باشد.
- ۳- مهرگان و همکاران در تحقیق خودشان تحت عنوان بررسی رابطه علی بین نرخ بهره و تورم با استفاده از داده‌های تابلویی به این نتیجه رسیده‌اند که رابطه علی یک طرفه از سوی نرخ بهره به سمت نرخ تورم وجود دارد.
- ۴- عزیزی فیروزه در تحقیق خود با عنوان آزمون تجربی رابطه تورم و بازده سهام در بورس اوراق بهادار تهران که در سال ۱۳۸۳ به انجام رسانده این نتیجه را بیان نموده است که تورم توضیح دهنده شاخص بازده نقدی و بازده کل (قیمت و نقدی) می‌باشد.

## ۲- مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر از نظر هدف تحقیق، کاربردی و از نظر روش تحقیق، در دسته تحقیقات همبستگی می‌باشد. جهت دستیابی به اطلاعات مورد نظر و برای اجرایی شدن تحقیق از کلیه سایت‌های مرتبط نظیر بورس و اوراق بهادار، سایت‌های مرتبط شرکت‌های سرمایه‌گذاری، مطالعه مقالات، کتابها، اسناد و مدارک مربوطه استفاده شده است. دوره زمانی تحقیق نیز از ابتدای سال ۱۳۸۵ لغایت پایان سال مالی ۱۳۹۰ در نظر گرفته شده است.

جامعه آماری این تحقیق، در برگیرنده کلیه شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران<sup>۱۶</sup> که واجد شرایط ذیل بوده‌اند، می‌باشد:

- (۱) پایان سال مالی آنها پایان اسفندماه باشد تا سبب افزایش یا حفظ قابلیت مقایسه اطلاعات مالی بدست آمده گردد.
- (۲) وقفه‌ی معاملاتی بیش از ۳ ماه در طی دوره تحقیق رخ نداده باشد تا مظنه قیمت سهام متعارف تلقی گردد.
- (۳) اطلاعات مالی مورد نیاز در دوره‌ی زمانی سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ به بورس اوراق بهادار ارائه شده و در دسترس باشد. با توجه به محدودیت‌های فوق از بین تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تعداد ۱۰۰ شرکت باقی ماند. از این رو کل این شرکت‌ها مورد بررسی قرار گرفت و هیچگونه نمونه‌گیری به عمل نیامد.

<sup>15</sup> Adjusted

<sup>16</sup> Tehran Exchange Market (TSE)

فرضیه های تحقیق به شرح زیر تدوین شده اند

جهت حصول به اهداف این تحقیق ، ۴ فرضیه بشرح ذیل تعیین گردیده است:

۱. بین نرخ تورم و نسبت های نقدینگی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

۲. بین نرخ تورم و نسبت های سود آوری شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

۳. بین نرخ تورم و نسبت های فعالیت شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

۴. بین نرخ تورم و نسبت های بدهی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

متغیر مستقل تحقیق نرخ تورم موجود در اقتصاد کشور می باشد که از طریق منابع محاسبه شده و اعلامی دولت استخراج شده است. متغیرهای وابسته نیز که شاخصهای ارزیابی عملکرد مالی شرکت ها هستند به ۴ گروه تفکیک شده اند. این متغیرها به صورت ذیل می باشند:

الف) نسبت های سود آوری شامل:

۱. بازده دارایی ها ۲. بازده حقوق صاحبان سهام ۳. نسبت سود خالص به فروش ۴. نسبت سود عملیاتی به فروش

ب) نسبت های فعالیت شامل:

۱. نسبت گردش داراییه ۲. نسبت گردش موجودی کالا

ج) نسبت های نقدینگی شامل:

۱. نسبت جاری ۲. نسبت آتی ۳. نسبت گردش نقد

د) نسبت بدهی شامل:

۱. نسبت بدهی به دارایی ۲. نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام

جدول ذیل نحوه محاسبه تمام متغیر ها و همچنین علامتهای اختصاری استفاده شده در جداول آماری تحقیق را ارائه نموده است:

جدول شماره (۱): نحوه محاسبه متغیر های مستقل و وابسته موجود در تحقیق

نوع متغیر	علامت اختصاری	نام متغیر	نحوه محاسبه
وابسته	ROA	بازده دارایی ها	$\frac{\text{سود خالص}}{\text{جمع دارایی ها}}$
وابسته	ROE	بازده حقوق صاحبان سهام	$\frac{\text{سود خالص}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$
وابسته	R/S	نسبت سودخالص به فروش	$\frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}}$
وابسته	OR/S	نسبت سود عملیاتی به فروش	$\frac{\text{سود عملیاتی}}{\text{فروش}}$
وابسته	ATOR	نسبت گردش داراییها	$\frac{\text{خالص فروش}}{\text{کل داراییها}}$
وابسته	ITOR	نسبت گردش موجودی کالا	$\frac{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}{\text{موجودی کالا}}$
وابسته	CR	نسبت جاری	$\frac{\text{داراییهای جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$
وابسته	QR	نسبت آتی	$\frac{\text{موجودی ها - داراییهای جاری}}{\text{بدهی های جاری}}$
وابسته	OCF	نسبت گردش نقد	$\frac{\text{گردش نقد حاصل از عملیات}}{\text{بدهی های جاری}}$
وابسته	L/A	نسبت بدهی به دارایی	$\frac{\text{کل بدهی ها}}{\text{کل داراییها}}$
وابسته	LTL/EQ	نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام	$\frac{\text{بدهی های بلندمدت}}{\text{حقوق صاحبان سهام}}$
مستقل	T	نرخ تورم	نرخ تورم سالیانه محاسبه شده توسط بانک مرکزی



برای آزمون فرضیات، ابتدا داده‌ها از منابع اطلاعاتی گرفته شده، استخراج گردید. سپس در ماتریس داده‌ها با توجه به متغیرهای مربوط به همان فرضیه فرعی قرار داده شد. سپس آزمون‌های F لیمر و H هاسمن در خصوص ارزیابی چینش مناسب داده‌ها صورت پذیرفت. در نهایت به کمک نرم افزار Eviews اقدام به اجرای الگوی رگرسیونی بصورت Panel و با روش GLS (تعمیم یافته) گردید. بعد از تفسیر نتایج در مرحله آخر از آماره‌های T و F و  $R^2$  و سطح معناداری آماره‌های T و F استفاده شد. فرضیه ۱. بین نرخ تورم و نسبت‌های نقدینگی شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۱): نتایج آماری آزمون فرضیه اول برای کل نمونه

Independent variable	Dependent variables					
	CR		QR		OCF	
	t	Sig	t	sig	T	Sig
T	۲/۴۵۵	۰/۰۰۰	-۳/۱۵۵	۰/۰۰۰	-۱/۸۶۷	۰/۰۰۲
$R^2$	۳۲/۹		۸۴/۴		۳۰/۱	
Adjust $R^2$	۳۲		۸۰/۳		۲۹/۱	
F	۳۴/۵۸۳		۲/۲۰۲		۲/۳۵۱	
DW	۱/۹۳۹		۲/۱۰۵		۲/۲۵	
Prob(F - Statistic)	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
Results	Accept		Accept		Accept	

\* ضریب رگرسیون در سطح ۰/۰۹۹ معنی دار است.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت جاری ۰/۰۰۰ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت جاری ارتباط معناداری (۲/۴۵۵) وجود دارد. و با توجه به مثبت بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت جاری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت جاری به دلیل افزایش قیمت‌ها، افزایش پیدا می کند. سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت آنی ۰/۰۰۰ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت آنی ارتباط معناداری (۳/۱۵۵-) وجود دارد. و با توجه به منفی بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت آنی رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت آنی به دلیل افزایش قیمت‌ها، کاهش پیدا می کند. سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت گردش نقد ۰/۰۶۲ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت گردش نقد ارتباط معناداری (۱/۸۶۷-) وجود دارد. و با توجه به منفی بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت گردش نقد رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت گردش نقد به دلیل افزایش قیمت‌ها، کاهش پیدا می کند. فرضیه ۲. بین نرخ تورم و نسبت‌های سود آوری شرکت‌ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره(۲): نتایج آماری آزمون فرضیه دوم برای کل نمونه

Independent variable	Dependent variables							
	ROA		ROE		R/S		OR/S	
	T	sig	t	sig	t	Sig	T	Sig
T	۳/۳۰۶	۰/۰۰۰	-۲/۸۴۲	۰/۰۵	-۶/۷۸۲	۰/۰۰۰	۱/۹۰۸	۰/۰۵۷
$R^2$	۳۴/۱		۳۸/۵		۹۱/۸		۹۲/۱	
Adjust $R^2$	۱۶/۳		۳۷/۷		۸۹/۶		۹۰	
F	۱/۹۱۳		۱۴/۲۳۱		۴۱/۳۳		۴۲/۲۷۵	
DW	۱/۷۱۸		۲/۱۶۱		۲/۱۹۲		۲/۳۲	
Prob(F - Statistic)	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
Results	Accept		Accept		Accept		Accept	

\* ضریب رگرسیون در سطح ۰/۰۹۹ معنی دار است.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و بازده دارایی‌ها ۰/۰۰۰ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و بازده دارایی شرکت‌ها (۳/۳۰۶) ارتباط معناداری وجود دارد و با توجه به مثبت بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و بازده دارایی‌ها رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود بازده دارایی‌ها به دلیل افزایش قیمت‌ها، افزایش پیدا می کند.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و بازده حقوق صاحبان سهام  $0/050$  می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از  $0/099$  می باشد بنابراین بین نرخ تورم و بازده حقوق صاحبان سهام  $(-2/842)$  ارتباط معناداری وجود دارد. و با توجه به منفی بودن آماره  $t$  می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و بازده حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود بازده حقوق صاحبان سهام به دلیل افزایش قیمت ها، کاهش پیدا می کند.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت سود به فروش  $0/000$  می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از  $0/099$  می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت سود به فروش شرکتها  $(-6/782)$  ارتباط معناداری وجود دارد و با توجه به منفی بودن آماره  $t$  می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت سود به فروش رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت سود به فروش به دلیل افزایش قیمت ها، کاهش پیدا می کند.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت سود عملیاتی به فروش  $0/057$  می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از  $0/099$  می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت سود به فروش  $(1/908)$  ارتباط معناداری وجود دارد و با توجه به مثبت بودن آماره  $t$  می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت سود عملیاتی به فروش رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت سود عملیاتی به فروش به دلیل افزایش قیمت ها، افزایش پیدا می کند. فرضیه ۳. بین نرخ تورم و نسبت های فعالیت شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۳): نتایج آماری آزمون فرضیه سوم برای کل نمونه

Independent variable	Dependent variables			
	ATOR		ITOR	
	T	sig	T	Sig
T	5/064	0/000	3/394	0/000
R <sup>2</sup>	58/2		78/2	
AdjustR <sup>2</sup>	49/3		83/8	
F	72/803		25/295	
DW	1/949		2/222	
Prob(F - Statistic)	0/000		0/000	
Results	Accept		Accept	

\* ضریب رگرسیون در سطح  $0/099$  معنی دار است.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت گردش داراییها  $0/000$  می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از  $0/099$  می باشد بنابراین بین نرخ تورم و بازده حقوق صاحبان سهام  $(-5/064)$  ارتباط معناداری وجود دارد. و با توجه به منفی بودن آماره  $t$  می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت گردش داراییها رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت گردش داراییها به دلیل افزایش قیمت ها، کاهش پیدا می کند.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت گردش موجودی کالا  $0/000$  می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از  $0/099$  می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت گردش موجودی کالا  $(3/394)$  ارتباط معناداری وجود دارد. و با توجه به مثبت بودن آماره  $t$  می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت گردش موجودی کالا رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت گردش موجودی کالا به دلیل افزایش قیمت ها، افزایش پیدا می کند.

فرضیه ۴. بین نرخ تورم و نسبت های بدهی شرکت ها رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (۴): نتایج آماری آزمون فرضیه چهارم برای کل نمونه

Independent variable	Dependent variables		LTL/EQ	
	T	sig	T	Sig
T	۱/۷۵۵	۰/۰۱۹	۳۰/۰۷۷	۰/۰۰۰
R <sup>2</sup>	۹۲/۲		۸۷/۱	
AdjustR <sup>2</sup>	۹۰/۱		۸۳/۶	
F	۴۳/۹۴		۲۵/۱۷۲	
DW	۲/۳۴۵		۲/۱۱۷	
Prob(F - Statistic)	۰/۰۰۰		۰/۰۰۰	
Results	Accept		Accept	

\* ضریب رگرسیون در سطح ۰/۰۹۹ معنی دار است.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت بدهی به دارایی ۰/۰۷۹ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت بدهی ارتباط معناداری (۱/۷۵۵) وجود دارد. و با توجه به مثبت بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت بدهی به دارایی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت بدهی به دلیل افزایش قیمت ها، افزایش پیدا می کند.

سطح معناداری بدست آمده بین نرخ تورم و نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام ۰/۰۰۰ می باشد از آنجا که این سطح پایین تر از ۰/۰۹۹ می باشد بنابراین بین نرخ تورم و نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام ارتباط معناداری وجود دارد و با توجه به منفی (۳۰/۰۷۷-) بودن آماره t می توان نتیجه گرفت که بین نرخ تورم و نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام رابطه منفی و معناداری وجود دارد به عبارت دیگر هرچه نرخ تورم بالا برود نسبت بدهی بلند مدت به حقوق صاحبان سهام به دلیل افزایش قیمت ها، کاهش پیدا می کند.

### ۳- نتایج و بحث

بررسی ارتباط عوامل مؤثر اقتصاد کلان بر گزارشات حسابداری که به عنوان یک معیار بااهمیت برای استفاده کنندگان می باشد می تواند کمک قابل ملاحظه ای در تصمیم گیری های مالی باشد، بنابراین به بدلیل اینکه تورم به عنوان یکی از متغیرهای اقتصادی آثار مخربی در ساختار اقتصاد و سیاست کشور دارد و تأثیر زیادی بر رشد اقتصادی، توزیع درآمد و ثروت، شرایط اجتماعی و سیاسی یک کشور می گذارد. یعنی به عبارت بهتر تورم عاملی است که موجب می شود قیمت ها در جامعه افزایش یابد و به تبع آن ارزش واقعی پول و دارایی های پولی افت کند و در مقابل ارزش دارایی های غیرپولی مانند دارایی های ثابت یا موجودی کالا ثابت بماند. در اثر کاهش ارزش پول در مقابل دارایی های پولی، ارزش دارایی های غیرپولی افزایش می یابد. اگر عامل تورم در محاسبات حسابداری گنجانیده شود می توان بیشتر به تصمیم گیری های واقعی نزدیک شد و همچنین با توجه به مطالب ارائه شده در متن مقاله می توان میزان اهمیت تجزیه و تحلیل صورتهای مالی جهت تصمیم گیری ها را متوجه شد که این مهم از طریق نسبتهای مختلف مالی ارائه شده انجام می شود و همانطور که بیان شد عوامل داخلی و خارجی متنوعی در این نسبتها اثرگذارند که تورم بعنوان یکی از عوامل خارجی مهم در این بررسی مورد توجه قرار گرفته است، همچنین با در نظر گرفتن گذشته نگر بودن سیستم اطلاعاتی حسابداری باید این فاکتور بسیار مورد توجه قرار گیرد، یعنی اینکه در مقطعی جهت انجام بررسی های صورتهای مالی می بایست به اطلاعات قبل مراجعه نمود تا بتوان تصمیم گیری نمود که در این میان عامل تورم باعث متغیر و متفاوت شدن اطلاعات مندرج در گذشته و حال خواهد شد. همانطور که در جداول آماری هم مشخص می باشد تورم بر روی تمام عناصر صورتهای مالی و تبع آن نسبتهای مربوطه اثر گذاشته است که این تاثیرات در نسبتهای مالی مختلف، متفاوت می باشد. بعبارتی این متغیر یعنی تورم بدلیل وسعت اثرگذاری و تا حدودی دائمی بودنش در کشور ما و همچنین روش گذشته نگری صورتهای مالی در تصمیم گیریها بسیار با اهمیت بوده و می بایست در تمامی مراحل ارزیابی و تصمیم گیری ها لحاظ شود تا بهترین روش یا گزینه یا رویه انتخاب گردد. در برخی شرایط می بایست رویه ای از حسابداری برگزیده شود که این اثرات تورمی را به حداقل ممکن برساند تا از این طریق بتوان بهترین خروجی اطلاعاتی را در اختیار داشته باشیم.

## ۴- منابع

- 1- Azar, A., Momeni, M. (2001). Application of Statistics and Management", Volume II, 10<sup>th</sup> Edition, Tehran, SAMT.
- 2- Akbari, Fazlullah. (1999). Analyzing financial statements, the Audit Organization, (129) October.
- 3- Amir Aslani. (2005). Advocate, the economic role of the audit in free markets and regulated markets, management auditing standard setting organizations, (159).
- 4- Ansari, Abdul & Mohsen Karimi. (2007). Review of financial measures to assess the performance of management in value creation for shareholders, with emphasis on economic criteria, accountant, 200, 11-3.
- 5- Anvari Rostami, AA, Reza Tehrani and H. Saddle. (2004). examining the relationship between economic value added, earnings before interest and taxes, cash flows from operating activities stock market value of listed companies in Tehran Stock Exchange, Accounting and Auditing Review, 37, 21-3.
- 6- Aziz-Zadeh, T. (2009). Review of performance measures in creating value for the firm, Journal of Accounting, 208, 49 -44.
- 7- De Wet J.H., and E. Du Toit. (2009). Return on Equity: A Popular, But Flawed Measure of Corporate Financial Performance, SAJBM, 38(1), 59-69.
- 8- Ketabi, Ahmad. (1992). Inflation: Causes, effects and ways to deal with that. Thran: Luck Publication.
- 9- Million, N. (2003). Shifting regimes in the relationship between interest rates and inflation , Proceeding of the 2d International conference on Economic Policy Modeling.
- 10- Melikian, Esfandiar and J Asghari. (2005). A study of the relationship between economic value and rate of return on assets in order to evaluate the performance of companies listed on the Stock Exchange, Exchange, 55-54, 33 24.
- 11- Mahdavi, GH and victim, Brrsy A. Comparison of modern and traditional liquid horn indices in assessing the financial performance, Mjhlh research, financial accounting, Issue 1, 88 -67.
- 12- Lardic, S. and Mignon V. (2003). Fractional co integration between nominal interest rate and inflation: A re- examination of the Fisher relationship in G7 countries , Economic Bulletin, 3(14), 1-10.
- 13- Parsaeian Ali. (2003). Asset Management Asia, Tehran, Cashmere.
- 14- Raymond P. Neveu. (2000). translated by Ali Jhankhany and Ali Parsaeian, financial management, Jld first publication.
- 15- Samadi Lrgany Mahmoud. (2008). Brrsy comparison of traditional and modern performance, Mjhlh accountant, 194,
- 16- Serletis, A. and Yavari, K. (2004). Welfare Costs of Inflation in Canada and United States , Economic Letters, 84, 534-544.
- 17- Kang J., K. Kim, and W. Henderson. (2002). Economic Value Added (EVA): A Financial Performance Measure, Journal of Accounting and Finance Research, 10(1), 48-60.
- 18- Shah Rezaei, Mahmud. (2002). Review under the impact of inflation on financial ratios adjusted in accordance with the decisions of users of financial information, MS Thesis, Tehran University.
- 19- Yahya Zadeh, M. Jafari Samimi, Mahmoud. Ahmd. (2001). Examine the relationship between inflation and stock returns, theoretical analysis and review of the literature, Journal of Human Sciences Zahra.